

مؤلفه‌های ژئواکونومیک سیاست خارجی فرانسه در فضای رقابت‌های ژئوپلیتیک غرب آسیا و پیامدهای آن برای روابط ایران-فرانسه

علی صباغیان^۱

استادیار گروه مطالعات منطقه ای دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران

محسن جلالی

دانشجوی دکتری مطالعات اروپای دانشگاه تهران، تهران، ایران

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۲/۰۷ - تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۰۳/۱۶)

چکیده

تعامل بازیگران غرب آسیا با قدرت‌های بزرگ، همواره به‌عنوان یکی از متغیرهای مؤثر بر توازن منطقه در مطالعات روابط بین‌الملل مورد اشاره قرار گرفته است. فرانسه نیز یکی از وزنه‌هایی است که از دیرباز در یارگیری‌های فرا منطقه‌ای مدنظر قدرت‌های غرب آسیا قرار داشته است. در این میان طی دو دهه اخیر، اهرم‌های اقتصادی اهمیت ویژه‌ای در یارگیری‌های ژئواکونومیک فرا منطقه‌ای پیدا کرده‌اند و به‌عنوان ابزار سیاست خارجی مورد استفاده قرار می‌گیرند. بنابراین، پرسش اصلی مقاله این است که مؤلفه‌های ژئواکونومیک چگونه به سیاست خارجی فرانسه در فضای رقابت‌های ژئوپلیتیک غرب آسیا شکل داده و چه پیامدهایی برای روابط با ایران داشته است؟ مقاله با این فرض به بررسی موضوع پرداخته که ابزارهای ژئواکونومیک از جمله ظرفیت‌های تجاری، مالی و بازارهای تسلیحاتی به اهرم مهمی برای تأثیرگذاری بر رفتار سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ فرا منطقه‌ای تبدیل شده از جمله اینکه در جریان جنگ سرد ایران و عربستان در قالب ابزاری برای یارگیری فرا منطقه‌ای مورد استفاده قرار گرفته و زمینه‌ی تقابل سیاست خارجی تهران-پاریس در مسائل متعدد منطقه‌ای را فراهم آورده است. مطالعات موجود نشان می‌دهد، علاوه بر فضای دوقطبی میان ایران و عربستان، دیگر بسترهای مهم ژئوپلیتیک از جمله سرریز بحران‌های منطقه به اروپا و چرخش راهبردی امریکا به شرق، سه مؤلفه مهمی هستند که نوع مداخلات فرانسه در غرب آسیا را تحت تأثیر قرار داده‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که تجمیع اهرم‌های اقتصادی در اردوگاه رقابتی منطقه‌ای ایران، نوعی مزیت رقابتی ژئوپلیتیک ایجاد کرده و گزینه‌های سیاست خارجی فرانسه در منطقه را تحت تأثیر قرار داده و به شکنندگی روابط ایران-فرانسه منتهی شده است.

واژه‌های کلیدی: سیاست خارجی، ژئواکونومیک، ژئوپلیتیک، غرب آسیا، روابط ایران-فرانسه.

Email: sabbaghian@ut.ac.ir

^۱ نویسنده مسئول

فصلنامه علمی مطالعات روابط بین‌الملل، سال چهاردهم، شماره ۵۳، بهار ۱۴۰۰، صص. ۱۰۰-۶۷.

DOR:20.1001.1.24234974.1399.13.4.7.3

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

مقدمه

فرانسه تنها قدرت نظامی، سیاسی و اقتصادی در اروپای قاره‌ای است که از زمان سایکس-پیکو تاکنون در غرب آسیا به‌عنوان "بازیگر" خارجی به ایفای نقش پرداخته است. شبکه دیپلماتیک فرانسه، سرویس‌های اطلاعاتی-امنیتی، برنامه‌های فرانکوفونی، پایگاه‌های نظامی و انبوهی از شرکت‌های تجاری؛ پیوندهای تنگاتنگ این کشور با منطقه را شکل داده‌اند. از دید کشورهای منطقه، تعامل با قدرت‌های بزرگ، ابزاری برای توسعه ملی، کسب حمایت بین‌المللی و به‌ویژه پیشبرد رقابت‌های ژئوپلیتیک و ایجاد توازن قدرت در منطقه بوده است (Ghoble, 2019: 46). از سوی دیگر، طی دو دهه اخیر تلاش دولت‌ها برای تولید ثروت، جایگاه ویژه‌ای در روابط خارجی پیدا کرده و بخش مهمی از تعاملات فرا منطقه‌ای غرب آسیا نیز به عرصه اقتصاد گرایش پیدا کرده است. به نظر می‌رسد روند روزافزون وابستگی اقتصادی پاریس و کشورهای حاشیه خلیج‌فارس، موجب گره خوردن مسائل دو طرف و تسری آن به حوزه سیاست خارجی شده است. اکنون نیمی از صادرات صنایع نظامی فرانسه به کشورهای منطقه صورت می‌گیرد. همچنین صندوق‌های ذخیره ارزی و بازارهای تجاری منطقه، منابع گسترده‌ای برای سرمایه‌گذاری و بازاری برای رقابت شرکت‌های فرانسوی فراهم آورده‌اند. داده‌های موجود حاکی از آن است که این پیوندها در رابطه با ایران وجود نداشته یا بسیار شکننده بوده است. بنابراین در شرایطی که بدنه سیاست خارجی فرانسه در رقابت با سایر قدرت‌های بزرگ برای افزایش سهم خود از بازار منطقه و دریافت امتیازات تجاری تلاش می‌کند، فقدان این مؤلفه در روابط با ایران موجب کم‌رنگ شدن پیوندهای دوجانبه شده است. درعین‌حال، سیاست‌های پاریس تحت تأثیر خروجی‌های ژئوپلیتیک منطقه نیز قرار داشته است. با توجه به موارد فوق، پرسش اصلی مقاله این است که مؤلفه‌های ژئواکونومیک چگونه به سیاست خارجی فرانسه در فضای رقابت‌های ژئوپلیتیک غرب آسیا شکل داده و چه پیامدهایی برای روابط با ایران در پی داشته است؟ مقاله با تکیه بر سطح تحلیل منطقه‌ای، با این فرض به بررسی موضوع پرداخته

که ابزارهای ژئواکونومیک از جمله ظرفیت‌های تجاری، مالی و بازارهای تسلیحاتی به اهرم مهمی برای تأثیرگذاری بر رفتار سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ فرا منطقه‌ای تبدیل شده از جمله اینکه در جریان جنگ سرد ایران و عربستان (که به صورت دوافکتو بخش عمده‌ای از تحولات ژئوپلیتیک منطقه را تحت تأثیر قرار داده است) در قالب ابزاری برای یارگیری فرا منطقه‌ای مورد استفاده قرار گرفته و زمینه‌ی تقابل سیاست خارجی تهران-پاریس در مسائل متعدد منطقه‌ای را فراهم آورده است. در این میان بسترهای مهم ژئوپلیتیک از جمله سرریز بحران‌های منطقه به اروپا، چرخش راهبردی امریکا به شرق و فضای دوقطبی میان ایران و عربستان؛ سه مؤلفه مهمی است که الگوی تعاملات فرا منطقه‌ای با قدرت‌های بزرگ از جمله فرانسه را تحت تأثیر قرار داده و تا حد زیادی می‌تواند تحولات در روابط ایران-فرانسه را توضیح دهد. مطالعه حاضر با روش کتابخانه‌ای به بررسی داده‌ها و اسناد رسمی و نیز تحلیل‌های اندیشکده ای می‌پردازد و تلاش می‌کند با تکیه بر مفاهیم برگرفته از نظریات روابط بین‌الملل، مدل مفهومی مبتنی بر سه مؤلفه ژئواکونومیک و سه مؤلفه ژئوپلیتیک را برای توضیح روابط ایران-فرانسه ارائه نماید. بدین منظور ابتدا چارچوب مفهومی مقاله تبیین خواهد شد و سپس مؤلفه‌های ژئوپلیتیک و بعد از آن مؤلفه‌های ژئواکونومیک مؤثر بر سیاست خارجی فرانسه در غرب آسیا مورد بحث قرار خواهد گرفت. در بخش پایانی مقاله نیز چگونگی اثرگذاری این مؤلفه‌ها بر روابط فرانسه و ایران بررسی خواهد شد.

۱. چارچوب مفهومی

دولت‌ها به شکل فزاینده‌ای از ابزارهای اقتصادی برای اعمال سیاست قدرت استفاده می‌کنند. اهمیت روزافزون اقتصاد در طراحی سیاست خارجی، نه تنها مباحث مهمی را پیش روی جریان‌های نظری مختلف روابط بین‌الملل قرار داده بلکه پیامدهای جدی برای نهادهای تصمیم‌ساز داشته و محاسبات سیاست خارجی کشورها را دستخوش تغییرات بنیادین کرده است. یکی از مهم‌ترین پرسش‌ها آن است که اقتصاد چگونه با رقابت‌های ژئوپلیتیک ارتباط

پیدا می‌کند و چه نسبتی با امنیت ملی و منازعات قدرت دارد؟ آیا روابط اقتصادی و گسترش وابستگی متقابل و توسعه رژیم‌های بین‌المللی آن‌طور که نظریه‌پردازان لیبرال معتقدند می‌تواند حاصل جمع مثبت ایجاد کند و به کاهش حساسیت تنگنای امنیتی بیانجامد (Keohane & Nye, 1973: 158-162) و پرسش مهم‌تر اینکه آیا چنین دیدگاهی، از قدرت کافی برای تبیین روابط میان کشورهای منطقه وانا و قدرت‌های بزرگ فرا منطقه‌ای نیز برخوردار است؟ یا اینکه "Realpolitik" بر فضای آنارشیک منطقه حاکم است و ابزارهای اقتصادی در برابر مسائل جدی سیاست و امنیت همچنان در حاشیه قرار دارند. اگر چنین است، چگونه می‌توان همگرایی دیپلماسی دست‌به‌نقد^۱ کشورهای عربی (Wigell et al., 2018: 1, 81) و اولویت‌های اقتصادی قدرت‌های بزرگ و تأثیر آن بر منازعات ژئوپلیتیک منطقه را توضیح داد؟ گرچه بخش مهمی از تاریخ تحولات غرب آسیا شاهد نفوذ قدرت‌های خارجی بوده و هست، اما این مسئله هنوز تئوری پردازی نشده است. با توجه به وزن مفهوم "تهدید" در مسائل سیاست خارجی غرب آسیا، بسیاری از مطالعات به بررسی اتحادها با قدرت‌های خارجی به‌منظور "موازنه" در برابر قدرت‌های منطقه‌ای پرداخته‌اند. به باور استیون دیوید، دولت‌های جهان سوم به‌جای "موازنه" به "موازنه همه‌جانبه"^۲ می‌پردازند. تفاوت مفهوم دوم در آن است که تهدیدات داخلی را نیز دربرمی‌گیرد (David, 1990: 233). مارکسیسم به جنبه دیگری از امر سیاست خارجی در منطقه وانا توجه دارد و در قالب نظریه مرکز-پیرامون؛ قرار گرفتن منطقه وانا در حاشیه اقتصاد جهانی (وابستگی فنی و اقتصادی آن به کشورهای مرکزی در نظام سرمایه‌داری جهانی) را به‌عنوان عامل تعیین‌کننده سیاست خارجی موردبررسی قرار می‌دهد. از آنجاکه هیچ نظریه‌ای به‌تنهایی نخواهد توانست تبیین درستی از موضوع موردبحث ارائه کند این مقاله به‌جای استفاده از چارچوب نظری، چارچوب مفهومی را اختیار کرده تا هم‌زمان بتواند با استفاده از مفاهیم ژئواکونومیک و ژئوپلیتیک و تبیین شاخص‌های هر یک از آن‌ها، به بررسی موضوع بپردازد. امروزه دولت‌ها در رقابت‌های راهبردی لزوماً و صرفاً از ابزارهای

^۱ Chequebook diplomacy

^۲ Omnibalancing

نظامی استفاده نمی‌کنند. به‌ویژه پس از جنگ سرد، ابزار منازعه به‌جای قدرت نظامی به سمت توانمندی‌های اقتصادی منتقل شده است. این رویکردی است که ادوارد لوت واک در دهه ۱۹۹۰ مطرح می‌کند. بنابراین برخلاف دیدگاه لیبرالیسم، منطق منازعه همچنان وجود دارد، اما ابزارها و قواعد تجاری، الگوی جدید منازعات را تعیین می‌کند. به عبارتی "منابع مالی کشورها جایگزین قدرت آتش آن‌ها شده، ظرفیت نوآوری و اختراعات جایگزین پیشرفت‌های فنی نظامی شده و رقابت برای نفوذ در بازارها، جایگزین پایگاه‌های نظامی و رویارویی میان دولت‌ها شده است" (Luttwak, 1990: 17). گراس می‌نویسد: ابزارهای اقتصادی نقش دوگانه‌ای ایفا می‌کنند: "از یک سو موجب گسترش ظرفیت‌های ژئوپلیتیک دولت‌ها می‌شوند و از سوی دیگر در روابط خارجی به‌عنوان ابزار نفوذ سیاسی مورد استفاده قرار می‌گیرند" (Grosse, 2014: 41). گسترش پیوندها و روابط متقابل کشورها نقاط قوت و ضعف یا عدم تقارن‌های جدیدی را در روابط خارجی ایجاد کرده و دست‌کاری در همین پیوندها اکنون خود به ابزار قدرت بدل شده است (Leonard, 2016: 15). به‌طور سنتی تحریم اقتصادی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای سیاست خارجی مورد توجه قرار داشته است. با این حال مطالعات جدیدتر بهره‌گیری از سایر ظرفیت‌های اقتصادی (در حوزه تجارت، سرمایه‌گذاری، شبکه بانکی، کمک‌های اقتصادی خارجی و صندوق‌های ذخیره ارزی) به‌منظور پیشبرد منازعات ژئوپلیتیک را نیز مدنظر قرار داده‌اند (Blackwill & Harris, 2016: 49). سیاست ورزی اقتصادی^۱ و مالی^۲ و بهره‌گیری از جنگ‌افزار اقتصادی مفاهیم جدید سیاست خارجی به شمار می‌روند (Steil & Litan, 2006: 4-7). با توجه به نکات فوق، مدل مفهومی که برای تحلیل جایگاه اقتصاد در سیاست خاورمیانه‌ای فرانسه ارائه شده، ترکیبی از ابزارهای تحلیلی مطرح در طیفی از مطالعات ژئواکونومیک، جایگاه اقتصاد در سیاست خارجی فرانسه در غرب آسیا و همچنین مسائل ژئوپلیتیک مؤثر بر سیاست خارجی فرانسه را مورد بررسی قرار خواهد داد که به‌صورت شکل زیر ارائه شده است.

¹ economic statecraft

² financial statecraft

نمای مدل مفهومی



۲. ویژگی های فضای رقابت ژئوپلیتیک در غرب آسیا

الگوی تعاملات فرا منطقه‌ای کشورهای غرب آسیا و روابط هر یک از آن‌ها با قدرت‌های خارجی از جمله فرانسه تحت تأثیر بسترهای مهم ژئوپلیتیک منطقه از قبیل سرریز بحران‌ها به اروپا، چرخش راهبردی آمریکا به شرق و فضای دوقطبی میان ایران و عربستان قرار داشته است. در ادامه توضیح بیشتری در این خصوص داده می‌شود.

۲.۱. ناآرامی‌های سیاسی-اجتماعی منطقه و سرریز بحران به اروپا

بحران‌های غرب آسیا و شمال آفریقا، فرانسه و اروپا را به دلیل پیوستگی سرزمینی مستقیماً تحت تأثیر قرار داده است. حدود شش میلیون نفر از جمعیت فرانسه (شامل نسل‌های اول و دوم مهاجران) از اتباع این منطقه هستند (EL-Karoui, 2017: 10). حملات تروریستی نیس در ۲۰۱۵ و پاریس در ۲۰۱۶ مجموعاً ۲۰۰ کشته و ۸۰۰ زخمی بر جای گذاشت. هزینه مادی تروریسم در فرانسه (شامل خسارت‌های انسانی، سرمایه‌های فیزیکی و کشته‌ها) در فاصله ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۶ برابر با ۴۳ میلیارد یورو بوده است (European Parliament, 2018: 37). از سوی دیگر بر اساس برآوردهای وزارت

کشور فرانسه در سال ۲۰۱۶، بیش از ۱۹۰۰ نفر از اتباع این کشور به گروه‌های پیکارجویان در عراق و سوریه پیوسته‌اند که بازگشت آن‌ها می‌تواند به نگرانی‌های امنیتی دامن بزند (Sénécat, 2016). موج مهاجرت و پناهجویی، اروپا را با بحران سیاسی، اقتصادی و مسائل حقوق بشری مواجه کرده است. داده‌های موجود حاکی از آن است که در سال‌های ۱۶-۲۰۱۵ بیش از دو میلیون پناهجو به اروپا سرازیر شده‌اند. در فاصله ۲۰۱۷ تا ۲۰۱۹ نیز سالانه حدود شش صد هزار نفر در اروپا درخواست پناهجویی داده‌اند (Eurostat, 2020). مسئله‌ای که به گسترش موج ملی‌گرایی، ظهور احزاب راست افراطی، تقویت رویکردهای پوپولیستی، شکنندگی پایگاه رأی احزاب سنتی و تضعیف روند همگرایی اروپا منجر شده است. بنابراین در سال‌های اخیر، اولویت سیاست خارجی اروپا در غرب آسیا و شمال آفریقا، مسئله مبارزه با تروریسم و همچنین کنترل جریان مهاجرت از طریق ابزارهایی همچون مداخله نظامی در ائتلاف مقابله با داعش، جلوگیری از افزایش تنش‌ها در منطقه و اسکان مهاجران در مناطق حائل بوده است. باین‌همه ابزارهای اروپا تنها به کنترل موقت بحران‌ها کمک کرده است. ابزارهای ژئواکونومیک از جمله فروش تسلیحات، سرمایه‌گذاری، کمک‌های توسعه‌ای و تجارت با کشورهای غرب آسیا نتوانسته اهرم‌های فشار سیاسی برای اروپا ایجاد کند. چراکه اولاً این ابزارها فاقد استراتژی لازم برای دستیابی به اهداف سیاسی بوده و از آن مهم‌تر حفظ مزایای حاصل از این روابط برای بسیاری از اقتصادهای اروپایی در اولویت قرار داشته است (Strengthening, 2019). دوماً فرانسه برای دفاع از منافع خود در منطقه با کسری جدی منابع مواجه بوده و درعین‌حال، کاهش تعهدات امریکا و برجسته شدن تهدید سنتی روسیه، قدرت‌های اروپایی را به سمت تقویت توان دفاع داخلی و بازدارندگی سوق داده و ظرفیت کمتری برای مواجهه با منازعات در سایر مناطق باقی گذاشته است (Chivvis & Fishman, 2017: 13). در مجموع، اروپا در مسائل کلان ژئوپلیتیک منطقه اراده تأثیرگذاری بر شرایط را نداشته و تداوم روند سرریز بحران‌ها به اروپا در کنار کسری منابع و یک‌جانبه‌گرایی واشنگتن؛ شرایطی را ایجاد کرده که سیاست خارجی فرانسه

در منطقه را به سمت کنترل تنش‌ها و مدیریت موقت اختلافات و درعین حال بهره‌برداری از ساختار دوقطبی منطقه برای فروش تسلیحات و سایر منافع اقتصادی هدایت کرده است. در ادامه به بررسی دقیق‌تر مؤلفه‌های فوق پرداخته‌ایم.

۲.۲. یک‌جانبه‌گرایی واشنگتن و نوسان در سیاست خارجی فرانسه

موقعیت فرانسه در غرب آسیا به لحاظ نظامی، سیاسی و اقتصادی تا حد زیادی تحت تأثیر وزنه واشنگتن قرار دارد. از این‌رو، تغییرات راهبردی در رویکردهای کاخ سفید، فرصت‌ها و البته چالش‌های متعددی را در برابر فرانسه قرار داده است. این موضوع در قالب "نظری نقش"^۱ در ادبیات روابط بین‌الملل بحث شده و در واقع به این نکته اشاره دارد که خروج تدریجی یا به عبارتی تغییر نقش امریکا در غرب آسیا موجب تغییر رفتار بازیگران منطقه‌ای و همچنین تغییر الگوی مداخلات سایر بازیگران فرا منطقه‌ای شده است (Darwich, 2019: 23-25). بنابراین فرانسه اکنون با کشورهای متفاوتی در منطقه روبرو است که هر یک نقش جدیدی برای خود تعریف کرده و دستور کار متفاوتی را دنبال می‌کنند. پاریس بنا بر ضرورت‌های امنیتی تلاش می‌کند نقش و نفوذ سنتی خود در غرب آسیا به‌عنوان یک قدرت بزرگ را احیا کند، اما با توجه به کسری بودجه معادل ۹۸ درصد تولید ناخالص داخلی، بیکاری بیش از ۱۰ درصدی، چالش‌های سیاسی و اقتصادی، محدودیت منابع نظامی (Toucas, 2018) و عدم یکپارچگی اعضای اتحادیه اروپا، امکان مداخله مؤثر را نداشته و در سایه سیاست‌های واشنگتن قرار گرفته است. درعین حال، اولویت‌های متفاوت کاخ سفید و عدم تقارن آن با نگرانی‌های امنیتی فرانسه، در نهایت پاریس را درجایی میان استقلال راهبردی و ناظر منفعل قرار داده است. تحولات دو دهه اخیر در غرب آسیا نمونه‌های متعددی از نوسان در روابط فرا آتلانتیک را به نمایش می‌گذارد. اشغال عراق در ۲۰۰۳ تنش میان دو سوی آتلانتیک را به اوج خود رساند. در ۲۰۱۳، بی‌میلی امریکا نسبت به مداخله در بحران سوریه و در ۲۰۱۸ خروج یک‌جانبه از برجام، نمونه‌های مهمی از عدم

^۱ Role Theory

تقارن سیاست خارجی پاریس-واشنگتن را نشان می‌دهد. سیاست چرخش راهبردی واشنگتن به سمت آسیا، زمینه کاهش نیروهای نظامی این کشور در عراق و افغانستان و بی‌میلی نسبت به درگیری مستقیم در سوریه، لیبی، یمن و تنش‌های خلیج فارس و تلاش برای موازنه از راه دور را فراهم کرد (آهوپی، ۱۳۹۶: ۴۵، ۶۱). این وضعیت به واگرایی دو سوی آتلانتیک در مسائل امنیتی-سیاسی غرب آسیا کمک کرد. اختلاف اوپاما و اولاند در رابطه با مداخله نظامی در سوریه و در پی آن طولانی شدن جنگ و گسترش موج مهاجرت و تروریسم، هزینه‌های سنگینی را برای اروپا در برداشت. بدین ترتیب "کاخ سفید نشان داد که می‌تواند نسبت به نگرانی‌های نزدیک‌ترین متحدانش کاملاً بی‌اعتنا باشد (Nougayrede, 2017: 4). با این حال نگرانی فرانسه از هزینه‌های بحران سوریه منجر به مداخله راهبردی در این کشور نشد. مواضع پاریس در رابطه با لزوم کناره‌گیری اسد و لزوم حمایت از مخالفان میانه‌رو نیز از سطح لفاظی سیاسی فراتر نرفت. همان‌طور که تجربه مداخله نظامی در لیبی و ائتلاف مقابله با داعش نیز نشان داد، عملکرد نیروهای فرانسوی وابسته به حمایت لجستیکی و کمک‌های فنی آمریکا بوده (Fahron-Hussey, 2018: 143) و کم‌رنگ شدن تعهدات نظامی آمریکا به معنای کاهش اثربخشی ابزارهای ژئوپلیتیک فرانسه در منطقه است. در عین حال، خروج آمریکا از منطقه فرصت‌هایی را نیز برای پاریس فراهم کرد. اولاند از اختلافات ریاض و واشنگتن برای مطرح کردن فرانسه به‌عنوان متحد راهبردی کشورهای حاشیه خلیج فارس بهره برد و تلاش کرد خلأ ناشی از خروج آمریکا از منطقه را ترمیم کند. این سیاست، امتیازات اقتصادی قابل توجهی برای پاریس (از جمله فروش هواپیما، دسترسی به منابع مالی و فرصت‌های سرمایه‌گذاری) به همراه داشت. مثلاً در جریان کمک ۳ میلیارد دلاری عربستان به لبنان در ۲۰۱۳ (که باهدف تقویت ارتش این کشور و همچنین کنترل نیروهای حزب‌الله صورت گرفت و معادل دو برابر بودجه ۱/۷ میلیارد دلاری ارتش لبنان بود)، سفارش‌های تسلیحاتی صرف خرید تجهیزات نظامی از فرانسه (به‌جای آمریکا) شد. این پیام روشنی به واشنگتن بود، چراکه سعودی‌ها از

سیاست‌های اوباما در قبال ایران و سوریه ناراضی بودند (Barnard, 2014). به همین ترتیب فرانسه و مصر نیز در فوریه ۲۰۱۵ قرارداد تسلیحاتی به ارزش ۵,۲ میلیارد دلار امضا کردند که در حقیقت منابع آن از طریق کشورهای حاشیه خلیج فارس تأمین شده بود (Mikail, 2015: 135). بنابراین گرچه نگاه فرانسه در خصوص بسیاری از تحولات ژئوپلیتیک منطقه به آمریکا دوخته شده است، حضور قاطعانه‌تر آمریکا در منطقه، به شکلی تناقض‌آمیز حاشیه سود فرانسه را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Barnes-Dacey, 2015). انزوا گرایی ترامپ، بی‌توجهی به متحدان و سیاست‌های یک‌جانبه واشنگتن، آسیب‌پذیری اروپا نسبت به کانون‌های بحران در منطقه را افزایش داد. ژان ایو لودریان در جلسه کمیته روابط خارجی پارلمان فرانسه در رابطه با تصمیم ناگهانی ترامپ برای خروج نیروهای آمریکا از شمال شرقی سوریه می‌گوید: "درحالی‌که پاریس دومین شریک نیروهای ائتلاف در سوریه است، وزارت خارجه فرانسه موضوع خروج متحدانشان از سوریه را از طریق رسانه‌ها دریافت کرده‌اند. آن‌هم درحالی‌که ریسک تهاجم ترکیه به نیروهای کرد سوری و نیز ریسک بازگشت داعش همچنان وجود دارد" (Assemblée Nationale, 2019, 31:10) و به‌علاوه این اقدام، مغایر با سیاست مهار ایران در منطقه است (Le Drian, 2019). واقعیت این است که آمریکا برخلاف اروپا به‌صورت مستقیم تحت تأثیر تنش‌ها و ناآرامی‌های منطقه قرار ندارد. ظهور فناوری نفت شیل و کاهش وابستگی آمریکا به منابع انرژی منطقه در کنار انزوا گرایی دولت ترامپ و سیاست "نخست آمریکا" و پرهیز از ارائه سواری رایگان به متحدان قدیمی؛ تأثیر مهمی بر موقعیت فرانسه در غرب آسیا داشته است. بنابراین الگوی تعامل فرانسه با قدرت‌های منطقه به‌ویژه فاصله پاریس از دو قطب ایران/عربستان تا حد زیادی بر اساس موقعیت وزنه واشنگتن در منطقه قابل توضیح است. این امر پاریس را به‌سوی تعامل با همه بازیگران منطقه و البته بهره‌گیری از فرصت‌ها و خلأهای ناشی از سیاست‌های آمریکا هدایت کرده است.

۳.۲. دوقطبی روابط ایران و عربستان

خروجی‌های ژئوپلیتیک برآمده از رقابت ایران-عربستان در غرب آسیا، متغیر مهمی در شکل‌دهی به سیاست خارجی فرانسه در منطقه است. بر همین اساس، بخش عمده‌ای از نوسان در روابط تهران-پاریس بیش از آنکه به مسائل دوجانبه ارتباط داشته باشد، تحت تأثیر ساختار دوقطبی منطقه و رقابت کشورهای غرب آسیا برای بهره‌گیری از اهرم قدرت‌های بزرگ در مدیریت تنش‌های فی‌مابین است. این ساختار به‌واسطه نوع توزیع قدرت میان ایران/عربستان، هراس از قدرت‌گیری ژئوپلیتیک دیگری و در پی آن ظهور تنگنای امنیتی در منطقه، جنگ‌های نیابتی و [یارگیری منطقه‌ای و بین‌المللی] شکل گرفته است (حق‌شناس و همکاران، ۱۳۹۶: ۳، ۲۷). پس از اشغال عراق در ۲۰۰۳ و حذف این کشور از مثلث قدرت در غرب آسیا؛ جنگ سرد و رویارویی غیرمستقیم ایران/عربستان به مؤلفه‌ای تعیین‌کننده در ساختار ژئوپلیتیک غرب آسیا بدل شد (Therme, 2014: 124). وقوع انقلاب‌های عربی، بی‌ثباتی سیاسی در لبنان، رقابت‌های نفتی اوپک، روند صلح اعراب و اسرائیل و روند فزاینده نقش‌آفرینی شیعیان در منطقه تنش میان دو کشور را وارد مرحله جدیدی کرد (ازغندی و آقا علیخانی، ۱۳۹۲: ۲۳۱). به صورتی که مقامات عربستان رسماً مقابله با گسترش نفوذ منطقه‌ای ایران را به‌عنوان هدف سیاست خارجی خود مطرح کردند (کریمی فرد، ۱۳۹۵: ۱۰۱، ۱۰۴). جلوگیری از ورود ایران به اقتصاد بین‌الملل، جلوگیری از عادی شدن روابط تهران با اروپا و به تأخیر انداختن سرمایه‌گذاری خارجی در کشور، نقطه تمرکز رقابتی منطقه‌ای ایران را تشکیل می‌دهد (سریع القلم، ۱۳۹۶: ۱۳۳). در چنین فضایی، ایجاد ائتلاف‌های منطقه‌ای و به‌ویژه یارگیری ژئواستراتژیک در خارج از منطقه، بخش مهمی از اهرم‌های منازعه تهران-ریاض را شکل داده است. ایران از مسیر تنش‌زدایی در روابط خارجی خود با غرب بر سر مسئله هسته‌ای در کنار تقویت روابط دیپلماتیک با اروپا در جریان برجام و همکاری نظامی با روسیه به یارگیری بین‌المللی پرداخته و با بسیج شبه‌نظامیان شیعه و نیروهای نیابتی در عراق، سوریه و یمن، حوزه نفوذ

خود در منطقه را گسترش داده است. در مقابل، عربستان با تکیه بر ظرفیت شورای همکاری‌های خلیج فارس، کاهش مرزبندی با اسرائیل (کریمی فرد، ۱۳۹۵: ۸۲)، همکاری با ناتو (حق شناس و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۲)، دریافت پوشش سیاسی از سوی کشورهای غربی در مسائل مختلف از جمله در جریان بحران یمن (احمدی و خسروی، ۱۳۹۵: ۸۳۳) به موازنه تهدید در برابر ایران پرداخته است. یکی از مهم‌ترین نمونه‌ها، وضعیت بحران سوریه است که در آن، ائتلافی از کشورهای ایران، ترکیه و روسیه عملاً در برابر حلقه مخالفان اسد شامل کشورهای حاشیه خلیج فارس، امریکا و قدرت‌های اروپایی قرار گرفت (Khouri, 2018: 4, 5). تهران و ریاض در عرصه‌های متعدد دیگر نیز از ظرفیت قدرت‌های جهانی برای افزایش مزیت رقابتی ژئوپلیتیک خود استفاده می‌کنند. در ماه می ۲۰۱۵، رئیس‌جمهور فرانسه برای نخستین بار به‌عنوان رهبر یک کشور غیر عرب به دعوت ملک سلمان در اجلاس شورای همکاری‌های خلیج فارس سخنرانی کرد و تلویحاً از ایران به‌عنوان یک تهدید منطقه‌ای نام برد (Saab, 2016: 9). موضع سخت پاریس در قبال توافق هسته‌ای ایران و مسائل سوریه و حمایت از حمله ائتلاف سعودی به یمن، امکان تقویت روابط سیاسی و اقتصادی با عربستان را فراهم کرد (ایزدی، ۱۳۹۵: ۶۱) و فرانسه را به یکی از مهم‌ترین تأمین‌کنندگان تسلیحات این کشور بدل نمود. در تیرماه ۱۳۹۴، توافق هسته‌ای ایران فضای جدیدی را به وجود آورد و چارچوب تازه‌ای را برای رقابت‌های قدیمی فراهم کرد. "استنباط کشورهای عربی از برجام این بود که دوران اخذ چک سفید امضاء در روابط آن‌ها با آمریکا به سر آمده است" (آهوپی، ۱۳۹۶: ۶۲). بنابراین تنش‌زدایی در روابط ایران و غرب از نگاه مقامات سعودی، چالش امنیتی و تهدید بزرگی برای روابط استراتژیک سنتی آنان با آمریکا به شمار می‌رفت (اسدی، ۱۳۹۵: ۱۴). تلاش فرانسه برای حفظ توافق هسته‌ای، پاریس را در برابر سیاست‌های سعودی قرار داد. از سوی دیگر منتقدان برجام، نزدیکی ایران-اروپا و رفع تحریم‌های اقتصادی را با تقویت وزنه تهران در منطقه و گسترش حوزه نفوذ آن و افزایش فعالیت نیروهای شبه‌نظامی شیعه در منطقه مرتبط دانسته‌اند (بیات و اسلامی، ۱۳۹۷:

(۱۷۹). با روی کار آمدن ترامپ، سیاست فشار حداکثری به ایران و تحریم‌های گسترده فرا سرزمینی و در پی آن افزایش تنش‌ها در منطقه موجب مسدود شدن کامل (اگر اثر پروژه ناتمام اینستکس را نادیده بگیریم) ظرفیت روابط اقتصادی ایران-اروپا شد و الگوی همکاری‌های شکل گرفته پس از توافق هسته‌ای در منطقه را تغییر داد. این امر زمینه افزایش تنش‌ها در خلیج فارس، کاهش تعهدات هسته‌ای ایران و به تبع آن افزایش نگرانی‌های امنیتی اروپا را فراهم کرد. در همین راستا، وزارت خارجه آمریکا در گزارشی، ایران را مسئول طراحی و اجرای بیش از چهل حمله نظامی در منطقه در ماه‌های می تا سپتامبر ۲۰۱۹ دانسته و از جمله به انفجار در نفت‌کش‌های بین‌المللی در آب‌های خلیج فارس و دریای عمان، حملات پهپادی به خطوط لوله عربستان، حملات موشکی به تأسیسات آمریکا در عراق، ساقط نمودن پهپاد جاسوسی پیشرفته آمریکا در تنگه هرمز و حمله پهپادی و موشکی به پالایشگاه‌های بقیق و خریص عربستان سعودی اشاره کرده است (Hannah, 2019). مسئله‌ای که تنش‌ها را در سطح بی‌سابقه‌ای افزایش داد. در چنین شرایطی، دستگاه دیپلماسی اروپا به رهبری فرانسه، متمرکز بر جلوگیری از افزایش بیش‌ازاندازه تنش‌ها و پرهیز از گسترش دامنه منازعات در منطقه، [حفظ توافق هسته‌ای] و ارائه راهکارهای دیپلماتیک به‌منظور خروج از بحران بوده است (After the Aramco, 2019). با توجه به موارد فوق، واضح است که مناسبات ایران/عربستان با قدرت‌های اروپایی از جمله فرانسه، تا حد زیادی هم‌راستا با الگوی یارگیری ژئواستراتژیک در بستر رقابت‌های منطقه‌ای است. در این میان دو مسئله را باید از یکدیگر تفکیک کرد. از یک‌سو، بهره‌مندی فرانسه از مزایای اقتصادی کشورهای حاشیه خلیج فارس مشروط به حمایت سیاسی پاریس از این کشورها از جمله در اعمال فشار به ایران بوده است (Barnes-Dacey, 2015). بنابراین تأکید پاریس بر تکمیل برجام، مغایرت فعالیت‌های موشکی ایران با قطعنامه ۲۲۳۳ (Ministry for Europe and Foreign Affairs, 2019) و مسائلی همچون انحلال نیروی‌های جنبش مردمی عراق (Macron, 2017) گرچه با نگرانی‌های پاریس مرتبط است، اما با سیاست‌های ریاض نیز

همخوانی دارد. از سوی دیگر، اولویت‌های امنیتی فرانسه از جمله مسئله حفظ توافق هسته‌ای و کنترل تنش‌ها در منطقه وابسته به فاصله گرفتن از عربستان و اتخاذ سیاست متوازن بین تهران-ریاض بوده است. بنابراین خروجی روابط ایران-فرانسه بیش از آنکه به تحولات دوجانبه مرتبط باشد، تحت تأثیر "ساختار دوقطبی منطقه" و نقش قدرت‌های بزرگ در توازن بخشی به نیروهای منطقه‌ای است. حضور فرانسه در چنین فضایی، حتی در مواردی که صرفاً با منطق اقتصادی صورت می‌گیرد؛ در تعادل قدرت مؤثر است. بنابراین اقتصاد را می‌توان به‌عنوان ابزاری برای رقابت‌های ژئوپلیتیک منطقه‌ای قلمداد کرد.

۳. مؤلفه‌های ژئواکونومیک مؤثر بر سیاست خارجی فرانسه در غرب آسیا

در حال حاضر رقابت‌های اقتصادی و تلاش دولت‌ها برای تولید ثروت، جایگاه ویژه‌ای در روابط خارجی پیدا کرده و چارچوب "بازار" به عرصه مداخلات سیاست خارجی بسیاری از کشورها تبدیل شده است. بسیاری از ابزارهای اقتصادی کاربرد ژئوپلیتیک پیدا کرده‌اند. کشورهای منطقه نیز از این ابزارها برای تنظیم روابط خود با قدرت‌های خارجی بهره می‌برند. بنابراین در این بخش به بررسی پیوندهای متقابل اقتصادی فرانسه در غرب آسیا در سه حوزه کلیدی شامل سرمایه‌گذاری خارجی، بازار تسلیحات و تجارت خارجی پرداخته‌ایم.

۳.۱. سرمایه‌گذاری خارجی

بخشی از پیوندهای اقتصادی فرانسه و غرب آسیا به رقابت‌های موجود برای جذب سرمایه‌گذاری اختصاص دارد. در سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۸ حجم تجمعی سرمایه‌های فرانسه در منطقه بین ۹ تا ۱۳ میلیارد یورو بوده که بخش اعظم آن در عربستان (حدود ۵ میلیارد یورو)، قطر (۲ تا ۳ میلیارد یورو) و امارات (حدود ۱/۵ میلیارد یورو) سرمایه‌گذاری شده است. سهم ایران از این سرمایه‌گذاری‌ها تنها ۷۰۰ میلیون یورو بوده است. از سوی دیگر، کشورهای منطقه حدود ۹ میلیارد یورو در فرانسه سرمایه‌گذاری کرده‌اند. قطر، لبنان و امارات بیشترین حجم سرمایه‌گذاری‌ها را در فرانسه انجام داده‌اند (Bank de France, 2019). تجمیع درآمدهای

نفتی در کشورهای حاشیه خلیج فارس، بازارهای نوظهور و اهرم‌های اقتصادی جدیدی را شکل داده که یکی از آن‌ها صندوق‌های ذخیره ارزی دولتی است. در جریان بحران مالی ۲۰۰۸ صندوق‌های دولتی کشورهای حاشیه خلیج فارس نقش عمده‌ای در حفظ نهادهای مالی فرانسوی و نیز سیستم مالی بین‌المللی داشته‌اند. مجموعه سرمایه آن‌ها حدود ۲۵۰۰ میلیارد دلار (برابر با ۴۰ درصد سرمایه کل صندوق‌های دولتی جهان) است و این وضعیت، طبقه جدیدی از سرمایه‌گذاران بین‌المللی را به وجود آورده است. بخش اعظم این سرمایه‌ها در اختیار شرکت سرمایه‌گذاری ابوظبی^۱ (با ۸۰۰ میلیارد دلار سرمایه)، صندوق سرمایه‌گذاری دولتی عربستان^۲ (با ۳۶۰ میلیارد دلار سرمایه) و شرکت سرمایه‌گذاری قطر^۳ (با ۳۲۰ میلیارد دلار) مالک بخشی از سهام شرکت‌های فرانسوی از جمله توتال، ال وی ام اچ^۴ و ویاندی^۵ قرار دارد (Touazi, 2017). حضور این صندوق‌ها در اقتصاد فرانسه روند رو به رشدی را تجربه کرده است. سنای فرانسه در گزارشی به لزوم بهره‌گیری از ظرفیت این صندوق‌ها برای تأمین کسری بودجه و اصلاحات زیرساختی اقتصاد فرانسه تأکید می‌کند (SÉNAT, 2008: 21). گرچه فرانسه و اتحادیه اروپا نگرانی‌هایی را در خصوص شفافیت منابع مالی این صندوق‌ها مطرح کرده‌اند، اما پاریس در عمل به تشویق سرمایه‌گذاری‌های صندوق‌های دولتی خارجی در خاک فرانسه می‌پردازد (Thatcher, 2013: 3). بنابراین دسترسی به منابع این صندوق‌ها یکی از اهداف سیاست خارجی فرانسه در غرب آسیا بوده است. از جمله، در جریان سفر ماکرون به امارات در نوامبر ۲۰۱۷ مقرر شد صندوق دولتی مبادله^۶ امارات و صندوق سرمایه بین‌المللی^۷ فرانسه با مشارکت بانک سرمایه‌گذاری فرانسه^۸ یک میلیارد یورو سرمایه‌گذاری مشترک انجام دهند (Élysée, 2017). حمایت سیاسی و به‌ویژه مالی عربستان در آفریقا نیز برای فرانسه اهمیت

^۱ Abu Dhabi Investment Authority (ADIA)

^۲ Public investment fund

^۳ Qatar Investment Authority (QIA)

^۴ LVMH

^۵ Vivandi

^۶ شرکت مبادله للاستثمار

^۷ CDC International Capital (IC)

^۸ Bpifrance

ویژه‌ای داشته است. تأمین بودجه گروه-۱۵^۱، ابزار مهم فرانسه برای مقابله با تروریسم در افریقا با حمایت ریاض امکان‌پذیر بوده است. سهم فرانسه در تأمین این بودجه ۸ میلیون یورو و سهم عربستان حدود ۸۵ میلیون یورو است (Force du G5, 2017). بخش مهمی از این بودجه صرف خرید تجهیزات نظامی فرانسوی شده است (Auge, 2020: 2, 6).

۲.۳. فروش تسلیحات

تجارت تسلیحات یکی از مهم‌ترین ابزارهای یارگیری از میان قدرت‌های بزرگ فرا منطقه‌ای است. در یک دهه اخیر سفارشات تسلیحاتی برخی از کشورهای منطقه تحول بی‌سابقه‌ای را تجربه کرده است. مثلاً مجموع سفارش‌های تسلیحاتی قطر بین سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۰ تنها ۱٫۵ میلیارد دلار بوده که این عدد در فاصله ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ به ۵۰ میلیارد دلار افزایش یافته است. عربستان و امارات نیز روند مشابهی را طی کرده‌اند. ریاض در ۲۰۱۸ با ۶۷٫۶ میلیارد دلار به بزرگ‌ترین واردکننده تسلیحات جهان بدل شد. هزینه‌های نظامی ایران در این سال از ۱۳٫۲ میلیارد دلار فراتر نرفته است (Wezeman & Kuimova, 2019: 2-6). این خریدها، فراتر از ظرفیت‌های دفاعی کشورهای حاشیه خلیج فارس بوده و به‌عنوان ابزار مهمی برای سرمایه‌گذاری دیپلماتیک و حفظ روابط شکننده با غرب تبدیل شده است. به عبارتی سرمایه دیپلماتیک حاصل از این سفارشات ارزشی بیش از توانمندی‌های واقعی این ابزارهای نظامی داشته است (Barzoukas, 2018: 2). این‌گونه معاملات، به اهرم‌های جدید سیاست خارجی بدل شده‌اند. در نمونه‌ای دیگر خرید قطر از شرکت بوئینگ موجب شد تا خط تولید جنگنده‌های این شرکت در سنت لوئیس میزوری که به دلیل عدم دریافت سفارش از ارتش امریکا در حال توقف بود، فعالیت خود را برای دهه ۲۰۲۰ نیز ادامه دهد (Barker, 2019: 2). به‌علاوه این‌گونه خریدها معمولاً

^۱ توضیح: گروه متشکل از پنج کشور آفریقایی شامل بوركینافاسو، مالی، موریتانی، نیجر و چاد که در ۲۰۱۷ به ابتکار و با حمایت فرانسه برای مبارزه با گروه‌های تروریستی از جمله بکوحرام و به هدف واگذاری بخشی از برنامه‌های مقابله با تروریسم به کشورهای آفریقایی تشکیل شد.

آغاز مجموعه‌ای از روابط تجاری محسوب می‌شود، چراکه در کنار آن خدمات پس از فروش و همچنین تعمیر و نگهداری تجهیزات نیز مزایای مهمی برای شرکت تولیدکننده به شمار می‌رود. فرانسه در سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۹ (با رشد ۷۲ درصدی صادرات تسلیحات) به سومین صادرکننده تسلیحات در جهان بدل شده که بخش مهمی از آن به مقصد خلیج فارس ارسال شده است (Chaperon, 2020). وابستگی صنایع فرانسوی به قراردادهای منطقه غیرقابل انکار است. طبق گزارش وزارت دفاع فرانسه، منطقه وانا به‌ویژه کشورهای خلیج فارس بزرگ‌ترین مشتری صنایع دفاعی فرانسه (که ۴ درصد از کل اشتغال صنعتی فرانسه را در برمی‌گیرد) هستند. طی یک دهه اخیر، حدود نیمی از کل صادرات تسلیحاتی فرانسه مربوط به کشورهای خلیج فارس بوده است. از جمله می‌توان به فروش ۲۴ هواپیمای رافائل به قطر در ۲۰۱۵ به ارزش ۶,۳ میلیارد دلار اشاره کرد (Irish & Altmeyer, 2015). در فاصله سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۲ در میان مشتریان تسلیحات فرانسه در جهان کشورهای عربستان (در رتبه اول)، امارات (رتبه چهارم) و قطر (رتبه بیستم) قرار داشته‌اند (Mikail, 2015: 132). در ماه می ۲۰۰۹، افتتاح "کمپ صلح" در امارات، (نخستین پایگاه نظامی خارجی فرانسه پس از پنجاه سال و نخستین مورد در خارج از آفریقا)؛ ویتترین مهمی برای نمایش و فروش محصولات نظامی فرانسه و البته ابزاری برای دفاع از کشورهای حاشیه خلیج فارس در برابر هرگونه تجاوز نظامی احتمالی از سوی ایران یا اختلال احتمالی در تنگه هرمز و همچنین بستری برای مشارکت پاریس در عملیات ائتلاف مقابله با داعش تبدیل شد (North Atlantic Treaty Organization, 2011: 36).

۳.۳. تجارت خارجی

روند تجمیع سرمایه‌های نفتی و نیز برنامه‌های توسعه اقتصادی (تحت عنوان چشم‌انداز ۲۰۳۰) کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، موجب رقابت فرانسه و سایر قدرت‌های بزرگ برای دستیابی به سهم بازار بیشتر در منطقه به‌ویژه در سه حوزه کلیدی انرژی، تسلیحات و حمل‌ونقل هوایی و نیز دریافت امتیاز در حوزه‌های عمرانی و بازسازی شده است

(Goasguen & Joncour, 2020: 25-27). در میان ۵۰ شرکت چندملیتی فعال در غرب آسیا سه شرکت فرانسوی توتال (رتبه ۵)، جی دی اف سوئز^۱ (رتبه ۱۹) و آکور^۲ (رتبه ۳۷) قرار دارند. کمپانی‌های صنایع دفاعی از جمله ام بی دی ای^۳ و تالس^۴ نیز نقش عمده‌ای در تجارت فرانسه در منطقه دارند (Mikail, 2015: 132). لازم به ذکر است ۲۰ درصد کل روابط اقتصادی فرانسه در خارج از اروپا با منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (شامل کشورهای مغرب عربی) صورت می‌گیرد. در سال ۲۰۱۶ روابط اقتصادی (غیر تسلیحاتی) فرانسه و منطقه برابر با ۶۳٫۲ میلیارد یورو (کمی کمتر از امریکا ۶۸٫۶ میلیارد یورو و بیشتر از چین با ۶۱ میلیارد یورو) بوده است (EL-Karoui, 2017: 13).

جدول شماره یک: مبادلات تجاری فرانسه با کشورهای منتخب (میلیون یورو)

شورای همکاری های خلیج فارس	ایران	قطر	عمان	کویت	امارات	بحرین	عربستان	
صادرات فرانسه (میلیون یورو)								
۱۱۴۲۷	۵۶۲	۲۷۳۰	۴۶۴	۱۱۱۳	۸۴۳۳	۱۳۰	۳۱۴۷	۲۰۱۵
۱۰۳۷۲	۷۲۲	۱۸۱۷	۳۱۲	۳۷۴	۶۰۳۳	۱۲۵	۴۱۴۲	۲۰۱۶
۱۰۹۰۰	۱۵۰۰	۱۹۹۶	۲۹۵	۴۳۳	۴۰۳۳	۲۶۷	۴۵۰۶	۲۰۱۷
-	۸۶۸	۳۰۲۹	-	-	-	-	۳۴۶۷	۲۰۱۸
واردات فرانسه (میلیون یورو)								
۷۱۱۶	۶۶	۲۴۴	۵۵	۶۰۱	۱۰۴۴	۸۸	۵۰۸۴	۲۰۱۵
۵۵۸۳	۱۴۰۶	۲۳۹	۲۰	۳۸۳	۱۰۴۹	۸۳	۳۸۰۹	۲۰۱۶
۶۴۵۸	۲۳۱۶	۶۸۰	۲۰	۳۳۱	۱۰۹۴	۲۰۲	۴۱۳۱	۲۰۱۷
-	۱۵۶۰	۴۹۵	-	-	-	-	۶۵۱۰	۲۰۱۸

منبع: (مؤلف با استفاده از داده‌های منتشر شده از سوی خزانه داری فرانسه، ۲۰۱۹)

^۱ GDF Suez

^۲ Accor

^۳ شرکت تولید تسلیحات MBDA

^۴ Thales

بر اساس داده‌های جدول شماره یک، عربستان و امارات مهم‌ترین شرکای تجاری فرانسه هستند. به لحاظ تراز تجاری نیز امارات و قطر سودآورترین بازار برای فرانسه بوده است (Direction générale du Trésor, 2019a: 14). البته این روابط حاصل سیاست‌گذاری‌های یک‌شبه نیست. در ماه می ۱۹۹۸ یک هیئت پارلمانی فرانسوی در بازگشت از امارات، طی گزارشی به مجلس سنای این کشور، امارات متحده عربی را به‌عنوان "ببر اقتصادی جدید در خاورمیانه" توصیف می‌کند^۱ (Sénat, 1998). در حال حاضر ۶۰۰ شعبه از شرکت‌های فرانسوی که عمدتاً از میان چهل شرکت برتر در بورس فرانسه^۲ هستند در کنار شرکت‌های کوچک و متوسط مجموعاً با سی هزار پرسنل در امارات در حوزه صنایع هوایی (مسافری و نظامی)، حوزه انرژی، بیمه و بانکداری و بخش‌های مختلف صنعتی فعالیت می‌کنند (DG Trésor, 2018a). به‌عنوان مثال، گروه تالس^۳، شرکت ملی راه‌آهن فرانسه^۴، سازمان حمل‌ونقل خودگردان پاریس^۵، شرکت آلستوم^۶، گروه هواپیمایی آ.د.پ.^۷ بیش از ۷ میلیارد دلار در حوزه مترو و خطوط ریلی دویبی و ابوظبی سرمایه‌گذاری کرده‌اند. (Belfellah, 2019). دفتر بزنس فرانس^۸، مشاوران منطقه‌ای، وابسته گمرکی سفارت، نمایندگی اتو-فرانس^۹، بانک دولتی ب پ ای فرانس^{۱۰} و بسیاری دیگر از دفاتر مشاوره تجاری به حمایت از شرکت‌های فرانسوی در بازار امارات می‌پردازند (DG Trésor, 2018a). قطر نیز یکی از مهم‌ترین شرکای تجاری فرانسه در منطقه است. این کشور (پس از انگلستان، سنگاپور و امریکا) در جایگاه چهارم در میان مقاصد صادراتی فرانسه (به لحاظ ارزش تراز تجاری) قرار داشته است. صادرات فرانسه به قطر در پنج‌ساله منتهی به ۲۰۱۸

^۱ در سال ۱۹۹۷ حجم تجارت دو کشور ۵٫۷ میلیارد فرانک بوده و ۱۸۰ شرکت فرانسوی در امارات فعال بوده اند.

^۲ Cotation Assistée en Continu (CAC40)

^۳ Thales

^۴ Société nationale des chemins de fer français (SNCF)

^۵ La Régie autonome des transports parisiens (RATP)

^۶ Alstom

^۷ Groupe ADP, (Aéroports de Paris)

^۸ Business France

^۹ Atout France

^{۱۰} Bpifrance

چهار برابر و در مقایسه با سال ۲۰۰۰ هجده برابر شده است (DG Trésor, 2019d: 1). در دوران سارکوزی قطر سرمایه‌گذاری‌های زیادی را در بخش املاک، صنایع، هتلداری و همچنین حوزه‌های ورزشی در فرانسه انجام داده که بخش عمده آن با تکیه بر صندوق دولتی قطر^۱ صورت گرفته است. اکنون فرانسه دومین مقصد سرمایه‌گذاری‌های این صندوق محسوب می‌شود (Boniface & Matelly, 2016: 41). در مجموع روابط تجاری، تسلیحاتی و مالی زمینه نزدیکی فرانسه به کشورهای حاشیه خلیج فارس را فراهم کرده و این عضو دائم شورای امنیت را در بسیاری از تصمیم‌گیری‌ها تحت تاثیر القانات رقبای منطقه ای ایران قرار داده است (سلطانی فر و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۱۱).

۴- پیامدهای سیاست خارجی فرانسه در غرب آسیا برای روابط با ایران

در این بخش به بررسی شاخص‌های کلیدی روابط ایران-فرانسه در حوزه همکاری‌های علمی-فرهنگی، روابط سیاسی، اقتصادی و مسائل راهبردی و ارزیابی تأثیر مناسبات فرانسه در غرب آسیا بر این روابط پرداخته‌ایم. بر اساس داده‌های موجود، بیش از بیست و چهار هزار ایرانی در فرانسه کار و زندگی می‌کنند. (Vahabi, 2015: 35). این افراد در فاصله ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۷ سالانه وجوهی حدود ۱۸ تا ۲۸ میلیون دلار به کشور فرستاده‌اند^۲ (بانک جهانی، ۲۰۲۰). فارغ از جنبه اقتصادی، جوامع دور از وطن در ادبیات سیاست خارجی کارکردهای متعددی دارند، از جمله توجه به ظرفیت گروه‌های اپوزیسیون همواره در دستور کار سیاست خارجی رقبای تهران قرار داشته است^۳. به لحاظ روابط علمی-فرهنگی، همکاری‌های دو کشور که در پی تنش‌های هسته‌ای به پایین‌ترین سطح تنزل یافته بود، پس از برجام مجدداً از سر گرفته شد. روابط

^۱ Qatar Investment Authority (QIA)

^۲ این عدد در ۲۰۱۷ برای عربستان ۲ میلیون، قطر ۴ میلیون و امارات ۰ ثبت شده است. در مقابل، کارگران فرانسوی ۱۳۴ میلیون از امارات و ۲۹ میلیون دلار از قطر به خانه فرستاده اند.

^۳ از جمله می‌توان به حضور ترکی الفیصل-وزیر اطلاعات سابق عربستان در گردهمایی "شورای ملی مقاومت ایران" در پاریس در ۲۰۱۶ اشاره کرد. در مجموع سرمایه‌گذاری رقبای منطقه ای ایران بر رسانه‌ها و گروه‌های اپوزیسیون نیازمند مطالعه مستقلی است.

دوجانبه در حوزه‌های علمی، آموزشی و فنی در قالب چند مرکز آموزش زبان و سرویس همکاری‌های فرهنگی در تهران، پروژه‌های مشترک و همکاری‌های دانشگاهی، برگزاری نمایشگاه مشترک در تهران و پاریس^۱ و گسترش گردشگری در شرایط پسابرجام در دستور کار قرار گرفت. (MEFA, 2019). تسهیل تبادلات دانشجویی امکان ورود سالانه حدود ۱۴۰۰ دانشجوی ایرانی به دانشگاه‌های فرانسه را فراهم کرد^۲ (UNESCO, 2020). تبادل هیئت‌های دیپلماتیک بین دو کشور نیز گسترش یافت. در نخستین روزهای پس از امضای برجام اولین هیئت بزرگ اروپایی با ۱۳۰ عضو از سوی اتحادیه کارفرمایان فرانسه (مدف^۳) وارد ایران شد. (Pascale & John, 2015). سفر وزیر علوم و هیئتی از رؤسای دانشگاه‌های بزرگ ایران به فرانسه (سفارت فرانسه، ۱۳۹۷)؛ سفر وزیر کشاورزی به فرانسه (پایگاه اطلاع‌رسانی دولت، ۱۳۹۶). سفر وزیر صمت به فرانسه (سازمان توسعه تجارت، ۱۳۹۸) از دیگر تبادلات دیپلماتیک به شمار می‌رود. با این حال، به تدریج و با افزایش تنش‌ها در منطقه و تشدید سیاست انزوای بین‌المللی ایران، کیفیت روابط دو کشور نیز تغییر کرد و دیدارهای اقتصادی، علمی و فرهنگی کم‌رنگ و به مذاکرات سیاسی-امنیتی-هسته‌ای فروکاسته شد. در میانه‌ی سال ۱۳۹۷ در جریان اتهامات مربوط به بمب‌گذاری در گردهمایی اپوزیسیون در پاریس، روابط دیپلماتیک با تنش روبرو شد به صورتی که دو کشور تا شش ماه (تا اسفند ۹۷) سفیر نداشتند (Donovan, 2019). روابط سیاسی دو کشور در برخی حوزه‌های خاص تحت تأثیر رویکرد پراگماتیک دولت ماکرون و فاصله نسبی آن از سیاست‌های واشنگتن و ریاض در منطقه قرار داشته است. بدین

^۱ با این همه در مقایسه با دیپلماسی فرهنگی فرانسه در منطقه می‌توان به موزه لوور ابوظبی یا دانشگاه سوربن ابوظبی اشاره کرد. بر این اساس روابط تهران-پاریس با توجه به سابقه تاریخی-فرهنگی و گستره جمعیتی ایران، ناچیز به نظر می‌رسد.

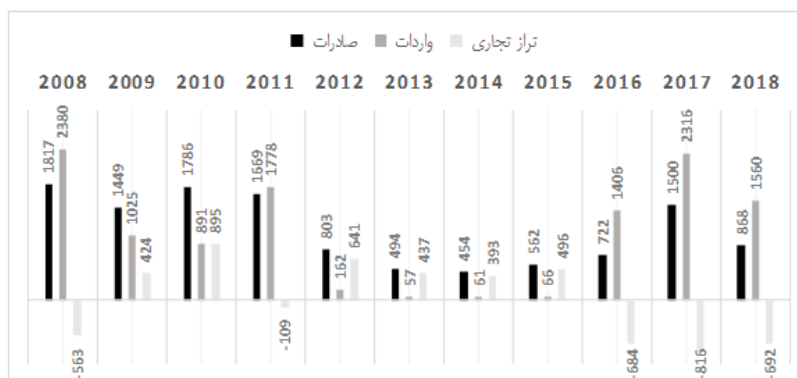
^۲ توضیح: تعداد دانشجویان عربستانی در فرانسه حدود ۴۵۰ و اماراتی حدود ۱۳۰ نفر هستند. در مقابل بر اساس آمار وزارت خارجه فرانسه تعداد دانشجویان فرانسوی در عربستان ۱۴۰۰ نفر بوده‌اند. باید توجه داشت که عموماً کشورهایی همچون لبنان (با حدود ۵ هزار دانشجو)، الجزایر (۲۲ هزار دانشجو)، مراکش (۳۶ هزار دانشجو) و به عبارتی مستعمرات سابق و مجموعه کشورهای فرانکوفون در مدار تمرکز همکاری‌های فرهنگی-دانشگاهی فرانسه قرار دارند (EL-Karoui, 2017: 170).

^۳ Mouvement des Entreprises de France

معنا که پاریس نسبت به مؤثر بودن سیاست تغییر رژیم و فشار حداکثری با دیده تردید می‌نگریست و در مقاطع مختلف (دست‌کم به لحاظ سیاسی) مخالفت خود را با چنین راهکارهایی ابراز کرد از جمله اینکه از حضور در اجلاس ضد ایرانی ورشو خودداری نمود (Osiewicz, 2019)؛ در جلسه شورای امنیت که به درخواست امریکا برای رسیدگی به اعتراضات دی‌ماه ۹۶ (در امتداد بحث تغییر رژیم) برگزار شده بود، نماینده فرانسه برگزاری چنین جلسه‌ای را غیرضروری و مداخله در امور داخلی ایران تلقی کرد (Campos, 2018) و در نشست روسا در شورای امنیت در خصوص ایران نیز ماکرون در مقابل ترامپ قرار گرفت و تلاش واشنگتن برای منزوی کردن ایران عملاً تصویری از اختلافات میان متحدان امریکا را به نمایش گذاشت (Hennigan, 2018). از نگاه فرانسه تکیه به روابط فرا آتلانتیک برای دفاع از منافع امنیتی اروپا در غرب آسیا نه تنها کافی نبوده، بلکه یک‌جانبه‌گرایی ترامپ با دامن زدن به تنش‌های موجود، اساساً نگرانی‌های امنیتی اروپا در خصوص مسائل منطقه را افزایش نیز داده است. از سوی دیگر فرانسه به دلیل کسری منابع، امکان مداخله راهبردی مستقل برای دفاع از منافع خود در منطقه (در زمینه کنترل بحران‌ها) را نداشته است. پاریس در فضای پسابرجام و در جریان کاهش گام‌به‌گام تعهدات هسته‌ای ایران نشان داد که از توان محدودی برای تنبیه یا تشویق ایران برخوردار است (Strengthening, 2019). در چنین شرایطی فرانسه تلاش کرده است با رویکرد پراگماتیک، بدون آسیب رساندن به روابط اقتصادی با متحدان عرب خود در خلیج فارس به کنترل تنش‌ها در نقاط کانونی از جمله سوریه، عراق، آب‌های خلیج فارس و نیز حفظ توافق هسته‌ای با ایران از طریق کانال‌های دیپلماتیک و مذاکره مداوم با همه بازیگران منطقه بپردازد. در زمینه روابط اقتصادی ایران-فرانسه باید به این نکته اشاره کرد که کم‌رنگ بودن ابزارهای ژئواکونومیک در ایران و انباشت آن در دست رقبای منطقه‌ای تهران به همگرایی سیاست خارجی فرانسه و کشورهای حاشیه خلیج فارس در بسیاری از تحولات ژئوپلیتیک منطقه کمک کرده است. نگاهی به داده‌های موجود نشان می‌دهد درحالی‌که روابط کشورهای منطقه روزبه‌روز به لحاظ شاخص‌های سرمایه‌گذاری، فروش سلاح و تجارت خارجی با فرانسه گسترش

می‌یابد در طرف مقابل روابط فرانسه با ایران در این زمینه به شدت دچار نوسان بوده است. مثلاً جذب سرمایه‌گذاری خارجی که یک مؤلفه مهم در پیشبرد سیاست خارجی فرانسه در غرب آسیا است در روابط این کشور با ایران کمتر موضوعیت داشته است. حجم تجمیعی سرمایه‌گذاری مستقیم فرانسه در ایران در سال ۲۰۰۲ به بالاترین رقم خود معادل ۱,۴ میلیارد یورو رسید و کمترین رقم نیز مربوط به سال ۲۰۱۰ معادل ۷۲ میلیون یورو می‌باشد. سرمایه‌گذاری ایران در فرانسه نیز محدود بوده و تا پایان سال ۲۰۱۸ به ۳۳۸ میلیون یورو رسیده است (DG Trésor, 2019c). همچنین حجم تجارت تهران-پاریس کسر محدودی از تجارت فرانسه در غرب آسیا را به خود اختصاص می‌دهد و با افت‌وخیزهای زیادی نیز روبرو بوده است. حجم تجارت دو کشور از اوج ۴,۳ میلیارد یورو در ۲۰۰۶ به ۵۱۵ میلیون یورو در ۲۰۱۴ کاهش یافت. البته پس از برجام، گسترش ناگهانی روابط اقتصادی می‌توانست به ایجاد اهرم‌های ژئواکونومیک نوپا بیانجامد. حجم مبادلات در ۲۰۱۶ معادل ۲,۱ میلیارد یورو (۲۳۹ درصد افزایش نسبت به سال قبل) و در ۲۰۱۷ به ۳,۸ میلیارد یورو (صادرات فرانسه ۱,۵ میلیارد یورو/ واردات فرانسه از ایران ۲,۳ میلیارد یورو) رسید. در این مقطع ایران به شریک تجاری مهم فرانسه و قابل قیاس با استرالیا و اندونزی بدل شد. (DG Trésor, 2018b).

نمودار یک: روابط تجاری ایران-فرانسه در سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۸ (میلیون یورو)



منبع: (مؤلف با استفاده از داده‌های منتشرشده از سوی خزانه‌داری فرانسه)

با این حال بازگشت تحریم‌ها در فصل پایانی ۲۰۱۸ امکان ورود ایران به بازی‌های ژئواکونومیک را منتفی کرد. در فاصله چند ماه، روابط تجاری ایران-فرانسه ۳۷ درصد کاهش یافت و به ۲,۴ میلیارد یورو رسید. در ۲۰۱۹ واردات نفت فرانسه از ایران به‌طور کلی قطع شد. در شش‌ماهه نخست ۲۰۱۹ تنها یک درصد تجارت فرانسه در منطقه به ایران اختصاص داشته است. مجموع روابط تجاری دو کشور در همین دوره به ۱۹۴ میلیون یورو سقوط کرد. اکثر صادرات فرانسه به ایران به کالاهای بشردوستانه (۱۲۳ میلیون یورو معادل ۶۰ درصد کل صادرات) اختصاص داشته است (DG Trésor, 2019c). این تصویر هنگامی معنادار خواهد بود که در بستر تحولات ژئوپلیتیک منطقه قرار داده شود. در حقیقت بخش مهمی از اصطکاک سیاست خارجی تهران-پاریس (نه در سطح مسائل دوجانبه) بلکه در سطح مسائل منطقه‌ای و بر اساس ملاحظات مرتبط با رقابت‌های موجود میان بازیگران منطقه صورت می‌گیرد. مثلاً در ۲۰۱۹ پس از بالا گرفتن تنش‌ها و بی‌ثباتی در خلیج فارس (به‌واسطه هدف قرار گرفتن کشتی‌ها در تنگه هرمز و دریای عمان و سایر درگیری‌های نظامی در منطقه) فرانسه با ابراز نگرانی از احتمال بروز جنگ بین تهران و واشنگتن ضمن امتناع از پیوستن به ائتلاف دریایی امریکا در خلیج فارس؛ ابتکار "نظارت دریایی اروپایی در تنگه هرمز" را با مشارکت هشت کشور اروپایی در پایگاه دریایی ابوظبی اجرا کرد. علاوه بر نگرانی‌های ژئوپلیتیک، منافع اقتصادی از جمله آزادی کشتیرانی برای اروپا از اهمیت حیاتی برخوردار است. هزینه بیمه کشتی‌هایی که در خلیج فارس تردد می‌کنند در مارس ۲۰۲۰ نسبت به ژوئن ۲۰۱۹ با افزایش ده برابری همراه بوده است. نه تنها نفت، بلکه یک‌چهارم گاز مایع جهان نیز از این منطقه عبور می‌کند. گرچه وابستگی اروپا به نفت خلیج فارس نسبتاً محدود است اما بروز بحران گسترده در منطقه می‌تواند قیمت جهانی نفت را تحت تأثیر قرار دهد (Pejsova, 2020). از سوی دیگر فروش صنایع دفاعی فرانسه نیز عموماً در این‌گونه همکاری‌های دفاعی مدنظر قرار می‌گیرد. در مجموع جنگ سرد ایران و عربستان ظرفیت‌های متعددی را در قالب فرصت و تهدید پیش روی فرانسه قرار داده و پاریس تلاش می‌کند با

ایفای نقش در روند منازعات منطقه به ایجاد اهرم‌های فشار، بهره‌برداری از فرصت‌های تجاری و مدیریت تنش‌ها بپردازد.

در دهه‌ها بیانیه‌ی مشترکی که فرانسه و دو قدرت اروپایی دیگر پس از برجام منتشر کرده‌اند یک بند ثابت وجود دارد که به شکل‌های مختلف مطرح شده است: "از آنجاکه تعهد ما نسبت به امنیت متحدان و شرکایمان در منطقه امری تزلزل‌ناپذیر است، ضروری است که نگرانی‌های مشترکمان در خصوص برنامه موشکی ایران و نقش فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده آن در منطقه نیز مورد رسیدگی قرار گیرد" (MEFA, 2018). بنابراین گرچه مواضع سیاسی فرانسه در مسائل دوجانبه و بین‌المللی (به‌واسطه تلاش برای حفظ برجام و درعین حال بی‌اعتمادی به طرح‌های امریکایی-سعودی) به ایران نسبتاً نزدیک بوده است، اما در سطح مسائل منطقه‌ای عموماً همگرا با اعراب خلیج فارس عمل کرده است. امری که اهمیت ابزارهای ژئواکونومیک در شکل‌دهی به سیاست‌های منطقه‌ای قدرت‌های بزرگ را نشان می‌دهد.

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالعات محدود در خصوص نقش اقتصاد در سیاست خارجی و به‌ویژه فقدان مفهوم‌پردازی در رابطه با جایگاه اقتصاد در شکل‌دهی به الگوی مداخله قدرت‌های بزرگ در غرب آسیا؛ این مقاله ضمن بررسی نحوه تأثیرگذاری مؤلفه‌های اقتصادی بر سیاست خارجی فرانسه، به مطالعه پیامدهای این موضوع بر روابط تهران-پاریس در سطح تحلیل منطقه‌ای پرداخته است. در چارچوب مفهومی مقاله دودسته عوامل ژئواکونومیک و ژئوپلیتیک به‌عنوان مؤلفه‌های تأثیرگذار بر سیاست خارجی فرانسه مدنظر قرار گرفت. بر این اساس، ساختار دوقطبی منطقه در چارچوب رقابت ایران/ عربستان و تلاش هر یک برای یارگیری ژئواستراتژیک از میان قدرت‌های فرا منطقه‌ای، تأثیر قابل‌توجهی بر تعیین مسیر سیاست خارجی فرانسه در منطقه داشته است. در این‌بین، دو مؤلفه مهم ژئوپلیتیک شامل تسری

بحران‌های منطقه به اروپا و همچنین تغییر راهبردی سیاست‌های امریکا در منطقه (در کنار کسری منابع فرانسه و بی‌میلی شرکای اروپایی این کشور برای مداخله در مسائل غرب آسیا)؛ اولاً آسیب‌پذیری فرانسه نسبت به تنش‌های غرب آسیا را افزایش داده و دوماً در بسیاری از تحولات منطقه (از جمله مسئله توافق هسته‌ای با ایران، تنش‌های خلیج فارس و ناآرامی‌های سوریه و عراق)، پاریس را به ناظر منفعل بدل کرده است. در چنین وضعیتی اهرم‌های ژئواکونومیک تأثیر تعیین‌کننده‌ای پیدا کرده‌اند. امتیاز فروش تسلیحات، بهره‌مندی از منابع مالی مازاد و پترودلارهای کشورهای حاشیه خلیج فارس و سایر اهرم‌های ژئواکونومیک به‌عنوان ابزارهای یارگیری فرا منطقه‌ای در ساختار رقابت‌های ژئوپلیتیک غرب آسیا به کار گرفته شده و نوعی مزیت رقابتی ژئوپلیتیک برای کشورهای حاشیه خلیج فارس ایجاد کرده است. به‌کارگیری این ابزارها نه تنها امکان تأثیرگذاری بر سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ را به‌طور کلی ایجاد کرده، بلکه زمینه استفاده از کارت قدرت‌های بزرگ در منازعات منطقه‌ای و به‌طور خاص ایجاد تقابل در سیاست خارجی تهران-پاریس در مسائل متعدد منطقه‌ای را (در بستر منازعه ایران-عربستان) فراهم کرده است. روابط اقتصادی به‌عنوان عاملی مؤثر در حمایت فرانسه از سیاست‌های موردنظر ریاض به‌وضوح در یمن، سوریه و لبنان قابل مشاهده است. تأکید ماکرون بر لزوم انحلال حشدالشعبی، همکاری نیروی دریایی فرانسه برای حفظ امنیت خلیج فارس (به‌منظور محدود کردن ظرفیت واکنش نظامی ایران در تنگه هرمز)، استفاده مکرر از کرسی شورای امنیت برای اعمال فشار و تأکید بر مغایرت برنامه موشکی ایران با قطعنامه ۲۲۳۳ این مسئله را نشان می‌دهد.

در این مقاله تلاش کرده‌ایم نشان دهیم، درحالی‌که روابط فرانسه و کشورهای منطقه به لحاظ شاخص‌های ژئواکونومیک شامل تجارت، سرمایه‌گذاری و فروش سلاح، افزایش قابل توجهی داشته و زمینه‌ی وابستگی فرانسه به این بازارها به‌ویژه در حوزه تسلیحات را فراهم کرده و درعین حال استقلال سیاسی پاریس را (از جمله در مسائل یمن، مسائل سوریه، مذاکرات هسته‌ای با ایران و غیره) تا حدودی تحت‌الشعاع قرار داده، در طرف مقابل روابط

فرانسه با ایران در زمینه اقتصادی به شدت دچار نوسان بوده و هرگز به اهرمی برای چانه‌زنی سیاسی بدل نشده است. در نهایت مؤلفه‌های کلان و ساختاری ژئوپلیتیک می‌تواند رفتار سینوسی، سردرگمی و در مواردی انفعال سیاست خارجی فرانسه در منطقه را توضیح دهد و مؤلفه‌های ژئواکونومیک می‌تواند عدم استقلال سیاسی فرانسه و موضع‌گیری یک‌جانبه در بسیاری از تحولات منطقه را توجیه کند. ترکیب این دو مؤلفه در بی‌ثباتی روابط تهران-پاریس مؤثر بوده است.

منابع:

- آهویی، مهدی (۱۳۹۶). «تحول پارادایم اتحادهای آمریکا در خاورمیانه و گزینه‌های محتمل در قبال ایران»، پژوهش‌های روابط بین‌الملل. ۷(۲۳).
- احمدی، حمید و خسروی، افسانه (۱۳۹۵). «کالبدشکافی تهاجم عربستان به یمن: ژئوپلیتیک، محیط بحران‌زای داخلی و سیاست بین‌الملل»، فصلنامه سیاست. ۴۶(۴).
- ازغندی، علیرضا؛ آقاعلیخانی، مهدی (۱۳۹۲). «بررسی عوامل منطقه‌ای واگرایی در روابط ایران و عربستان (۱۳۹۰-۱۳۸۴)»، فصلنامه سیاست، ۴۳(۲).
- اسدی، علی اکبر (۱۳۹۵). «سیاست خارجی تهاجمی و سیاست داخلی عربستان»، فصلنامه روابط خارجی. ۸(۱).
- ایزدی، پیروز (۱۳۹۵). «ایران و فرانسه: سیاست خارجی فرانسه در قبال خاورمیانه و شمال افریقا»، فصلنامه روابط خارجی. ۸(۴).
- بیات، جلیل و اسلامی، محسن (۱۳۹۷). «ایران-عربستان؛ طرح الگوی تنش زدایی با محوریت مناقشات منطقه‌ای»، مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، ۸(۲۸).
- پایگاه اطلاع رسانی دولت (۱۳۹۶، مهر ۱۲). «امضای تفاهم نامه همکاری های کشاورزی ایران و فرانسه در سفر وزیر جهاد کشاورزی به پاریس». بازیابی شده در ۱ مرداد ۱۳۹۹، از <http://dolat.ir/detail/299597>
- حق‌شناس، محمد رضا؛ موسوی شفقائی، سید مسعود؛ سجادپور، سید محمد کاظم؛ شریعتی نیا، محسن (۱۳۹۶). «رقابت‌های ژئوپلیتیک و روابط ایران و عربستان: مکانیزم‌ها و راهبردها»، مطالعات سیاسی جهان اسلام، ۶(۲).
- سازمان توسعه تجارت (۱۳۹۸، آبان). «همکاری دوجانبه ج.ا.ایران و فرانسه»، بازیابی شده در ۵ مرداد ۱۳۹۹، از <http://www.tpo.ir/uploads/europe/g-france-4.pdf>
- سریع القلم، محمود (۱۳۹۵). «نظام بین‌الملل و ژئوپلیتیک جدید خاورمیانه»، پژوهشنامه علوم سیاسی، ۱۱۲(۱).
- سفارت فرانسه در تهران (۲۰۲۰، ژانویه ۱۰). «موفقیت دومین دیدارهای همکاری دانشگاهی ایران و فرانسه»، بازیابی شده در ۹ مرداد ۱۳۹۹، از <https://ir.ambafrance.org/>
- سلطانی فر، احسان؛ آقازاده، هاشم؛ انصاری، منوچهر (۱۳۹۷). «تحلیلی سیاستی بر محیط توسعه همکاری های تجاری اقتصادی میان ایران و فرانسه»، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، ۸(۲۶).

- کریمی فرد، حسین (۱۳۹۵). تبیین رئالیستی سیاست خارجی عربستان در قبال بحران‌های خاورمیانه (۲۰۱۵-۱۹۷۹). پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۶(۲۱).
- After the Aramco Attack: A Middle East One Step Closer to Its "1914 Moment". (2019). Crisis Group. https://d2071andvip0wj.cloudfront.net/19-sept-19-after-aramco-attack_0.pdf
- Assemblée Nationale. (2019, février 13). Commission des Affaires étrangères : M. Jean-Yves Le Drian, Ministre de l'Europe et des Affaires étrangères" du 13 février 2019 [Video file]. Retrieved 2019 février 28, from <http://videos.assemblee-nationale.fr>
- Auge, B. (2020). La politique de l'Arabie Saoudite en Afrique : vecteurs et objectifs. (No. 52). Institut Français des Relations Internationales [IFRI]. <https://www.ifri.org>
- Bank de France. (2019, June 12). Investissements directs: Séries. Retrieved 2019, October 22, from <https://www.banque-france.fr>
- Barker, J. (2019, April 22). The Air Force hasn't bought an F-15 in over a decade. Retrieved 2019, November 28, from https://www.stltoday.com/business/local/the-air-force-hasn-t-bought-an-f-in/article_5e4803ea-3227-5165-8361-e4271cb95282.html
- Barnard, A. (January 6, 2014). Saudis' Grant to Lebanon Is Seen as Message to US. The New York Times. Retrieved 2020, March 2, from <https://www.nytimes.com>
- Barnes-Dacey, j. (2015). France's deepening relations with the Gulf. European Council on Foreign Relations (ECFR). <https://www.ecfr.eu>
- Barzoukas, G. (2018). Paper beats rock: GCC geo-economics. European Union Institute for Security Studies (EUISS). doi: 10.2815/307932
- Belfellah, Y. (2019, April 6). Les Emirats arabes unis: une destination privilégiée des entreprises françaises Retrieved 2020, March 28, from <https://www.lopinion.fr/edition/international/emirats-arabes-unis-destination-privilegiee-entreprises-francaises-183333>
- Blackwill, R. D., & Harris, J. M. (2016). War by Other Means. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Boniface, P., Mattely, S. (2016). LES RELATIONS ÉCONOMIQUES ENTRE LA FRANCE ET LE QATAR: Des bénéfiques mutuels. Institut de Relations Internationales et Stratégiques (IRIS). <https://www.iris-france.org>

- Campos, R. (2018, January 6). U.N. meeting on Iran protests called by U.S. criticized at Security Council. Time. Retrieved 2020, March 21, from <https://time.com/5407295/donald-trump-iran-united-nations>
- Chaperon, I. (2020, March 8). La France devient le troisième exportateur mondial d'armement. Le Monde. Retrieved 2020, March 28, from <https://www.lemonde.fr>
- Chivvis, C. S., & Fishman, B. (2017). Regional foreign policy dynamics and their implications for the Mediterranean Region. RAND Corporation. <https://www.rand.org/pubs/perspectives/PE223.html>
- Darwich, M. (2019). Great and Regional Powers in the Middle East: The Evolution of Role Conceptions (pp. 23-27). POMEPS Studies.
- David, S. R. (1990). Explaining third world alignment. World Pol., 43, 233.
- Denis, Pascale & Irish, John. (2015, SEPTEMBER 10). French firms trail in economic rush to Iran executive. Retrieved 2020, March 15, from <https://www.reuters.com>
- Direction générale du Trésor. (2018a). La présence économique française aux Emirats arabes unis. Retrieved 2020, March 12 from <https://www.tresor.economie.gouv.fr>
- Direction générale du Trésor. (2018b). Les échanges commerciaux entre la France et l'Iran en 2017. Retrieved 2019, March 15 from <https://www.tresor.economie.gouv.fr>
- Direction générale du Trésor. (2019a). Lettre de la Péninsule arabique. Retrieved 2020, March 18 from <https://www.tresor.economie.gouv.fr>
- Direction générale du Trésor. (2019b). Les échanges commerciaux entre la France et l'Iran en 2018. Retrieved 2019, March 10 from [tresor.economie.gouv.fr](https://www.tresor.economie.gouv.fr)
- Direction générale du Trésor. (2019c). Relations économiques entre la France et la République islamique d'Iran en 2019. Retrieved 2019, March 5 from <https://www.tresor.economie.gouv.fr>
- Direction générale du Trésor. (2019d). Les échanges commerciaux entre la France et le Qatar en 2018. Retrieved 2019, March 20, from <https://www.tresor.economie.gouv.fr>
- Donovan, Kirsten(Ed.). (2019, March 8). Iran, France to swap ambassadors after diplomatic spat. Reuters. Retrieved 2019, October 20, from <https://www.reuters.com>

- El-Karoui, H. (2017). Nouveau monde arabe, nouvelle" politique arabe" pour la France. Institut Montaigne. <https://www.institutmontaigne.org>
- Élysée (9 NOVEMBRE 2017). Communiqué conjoint France-Emirats arabes unis à l'occasion de la visite du Président de la République française aux Emirats arabes unis. Retrieved 2019, April. 10, from <https://www.elysee.fr>
- European Parliament. (2018). The fight against terrorism: Cost of Non-Europe. Directorate-General for Parliamentary Research Services. [https://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/STUD/2018/621817/EPRS_STU\(2018\)621817_EN.pdf](https://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/STUD/2018/621817/EPRS_STU(2018)621817_EN.pdf)
- Eurostat. (2020). Asylum applications (non-EU) in the EU-27 Member States, 2008–2019 [Data set]. Retrieved 2019, November 28, from https://ec.europa.eu/eurostat/statistics-explained/index.php/Asylum_statistics#Number_of_asylum_applicants:_increase_in_2019
- Fahron-Hussey, C. (2019). Military Crisis Management Operations by NATO and the EU. Wiesbaden, Germany: Springer Fachmedien Wiesbaden.
- Force du G5 Sahel : trouver sa place dans l'embouteillage sécuritaire. (2017). Crisis Group. <https://www.crisisgroup.org/fr>
- Ghoble, V. T. (2019). Saudi Arabia–Iran Contention and the Role of Foreign Actors. *Strategic Analysis*, 43(1), 42-53.
- Goasguen, C. & Joncour, B. (2020). Mission d'information sur sur la France et le Moyen-Orient: rapport d'information. Assemblée Nationale. (Publication No. 2625). Retrieved 2020, August 10, from http://www.assemblee-nationale.fr/dyn/15/rapports/cion_afetr/115b2625_rapport-information.pdf
- Grosse, T. G. (2014) 'Goeconomic Relations between the EU and China: The Lessons from the EU Weapon Embargo and From Galileo', *Geopolitics*, 19, 1, pp. 40–65.
- Hannah, J. (OCTOBER 30, 2019). U.S. Deterrence in the Middle East Is Collapsing. *Foreign Policy*. Retrieved 2020, March. 1, from <https://foreignpolicy.com>
- Hellmann, G. & Urrestarazu, U. S. (2013). *Theories of Foreign Policy*. Oxford Bibliographies in International Relations. doi: 10.1093/obo/9780199743292-0104

- Hennigan, j. (2018, September 26). President Trump's Efforts to Isolate Iran at the U.N. Backfired. Reuters. Retrieved 2020, March. 1, from <https://www.reuters.com>
- Keohane, R. O. & Nye Jr, J. S. (1973). Power and interdependence. *Survival*, 15(4), 158-165.
- Khouri, R. G. (2018). The Implications of the Syrian War for New Regional Orders in the Middle East (No. 12). *Menara Working Papers*. Istituto Affari Internazionali (IAI). <https://www.iai.it/en>
- Le Drian et le "mystère" de la politique US dans le Nord-Est syrien. (2019, FÉVRIER 15). Reuters. Retrieved 2020, March 28, from <https://fr.reuters.com>
- Leonard, M. (Ed.). (2016). *Connectivity wars: Why migration, finance and trade are the geo-economic battlegrounds of the future*. London: European Council on Foreign Relations (ECFR).
- Luttwak, E. (1990). From Geopolitics to Geo-Economics: Logic of Conflict, Grammar of Commerce. *The National Interest*, (20), 17-23. Retrieved 2020, March 28, from www.jstor.org/stable/42894676
- Macron, E. (2017). Déclaration à la presse du Président de la République, Emmanuel Macron, et de M. Nechivran Barzani et M. Qubad Talabani, Premier ministre et Vice-premier ministre du Gouvernement régional du Kurdistan. Retrieved 2019, April 21, from <https://www.elysee>.
- Mikail, B. (2015). France: the active pragmatist. In Kausch, K. (Ed.), *Geopolitics and democracy in the Middle East*. (pp. 129-140). Madrid: FRIDE. Available at: <https://www.files.ethz.ch/isn/192421/Geopolitics%20and%20democracy%20in%20the%20Middle%20East.pdf>
- Ministry for Europe and Foreign Affairs. (January 6, 2019). Iranian rocket launch. <https://www.diplomatie.gouv.fr>
- Ministry for Europe and Foreign Affairs. (September 10, 2019). Relations bilatérales. <https://www.diplomatie.gouv.fr>
- Ministry for Europe and Foreign Affairs. (May 8, 2018). JCPOA - Joint Statement by France, the United Kingdom and Germany. <https://www.diplomatie.gouv.fr>
- North Atlantic Treaty Organization [NATO]. (2011). *NATO and Middle East and North Africa (MENA) Security: Prospects for Burden Sharing*. Forum Paper No. 16. Retrieved 2020, March 2, 2020, from <http://www.ndc.nato.int/download/downloads.php?icode=275>

- Nougayrede, N. (2017). France's Gamble: As America Retreats, Macron Steps up. *Foreign Affairs*, 96, 2.
- Irish, J.; Altmeyer, C. (2015, April 30). France and Qatar seal \$7 billion Rafale fighter jet deal. Retrieved 2020, March 29, from <https://www.reuters.com/article/us-france-qatar-rafale/france-and-qatar-seal-7-billion-rafale-fighter-jet-deal-idUSKBN0NL0RL20150430>
- Osiewicz, p. (2019). The Middle East summit in Warsaw: Dead on arrival? Middle East Institute. <https://mei.edu/publications/middle-east-summit-warsaw-dead-arrival>
- Pejsova, E. (2020, March 7). What the European maritime initiative in the Strait of Hormuz tells us about Brussel's security ambitions. European Leadership Network. <https://www.europeanleadershipnetwork.org/>
- Saab, B. Y. (2016). After hub-and-spoke: US hegemony in a new Gulf security order. Atlantic Council. <https://www.atlanticcouncil.org>
- Scholvin, S., & Wigell, M. (2018). Power politics by economic means: Geoeconomics as an analytical approach and foreign policy practice. *Comparative Strategy*, 37(1), 73-84.
- Sénat. (2008). Les fonds souverains: une menace à relativiser, un partenariat à construire (Publication No. 336). Retrieved 2020, August 8, from <https://www.senat.fr/rap/r07-336/r07-3361.pdf>
- Sénat. (1998). Les Emirats Arabes Unis, un nouveau tigre au Moyen-Orient ? (Publication No. GA 21). Retrieved 2020, August 7, from https://www.senat.fr/ga/ga-021/ga-021_mono.html
- Sénécat, A. (2016, May 18). Qui sont les 1900 Français concernés par le djihad en Syrie et en Irak ? *Le Monde*. Retrieved 2020, March 28, from <https://www.lemonde.fr>
- Steil, B., & Litan, R. E. (2006). *Financial Statecraft: the role of financial markets in American foreign policy*. New Haven, Connecticut, United States: Yale University Press.
- Strengthening European autonomy across MENA. (2019). European Council on Foreign Relations (ECFR) MENA Programme. https://www.ecfr.eu/specials/mapping_eu_leverage_mena
- Thatcher, Mark (2013) National policies towards sovereign wealth funds in Europe: a comparison of France, Germany and Italy. Policy briefs (2). The London School of Economics and Political Science, London, UK.

- The World Bank. (2020, August 09). Migration and Remittances Data. Retrieved 2020, August 10, from <https://www.worldbank.org>
- Therme, C. (2014). La nouvelle «guerre froide» entre l'Iran et l'Arabie saoudite au Moyen-Orient. *Confluences Méditerranée*, (1), 113-125.
- Touazi, F.A. (2017). Les fonds souverains du Golfe. La Fondation pour la recherche stratégique (FRS). <https://www.frstrategie.org>
- Toucas, Boris. (2018). The “Macron Miracle” Could Transform France Into a Global Powerhouse. Center for Strategic and International Studies (CSIS). <https://www.csis.org>
- UNESCO. (2020, August 09). Global Flow of Tertiary-Level Students. Retrieved 2020, August 10 from <http://uis.unesco.org/en/uis-student-flow>
- Vahabi, N. (2015). La diaspora iranienne en France. *Migrations Société*, (2), 19-40.
- Wezeman: D., & Kuimova, A. (2019). Military spending and arms imports by Iran, Saudi Arabia, Qatar, and the UAE. SIPRI Fact Sheet, 2019, 1-8.
- Wigell, M., Scholvin, S., & Aaltola, M. (Eds.). (2018). *Geo-Economics and Power Politics in the 21st Century: The Revival of Economic Statecraft*. New York, NY: Routledge.